



toloes@hotmail.com

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

رفتار با کودکان

کودکان مقدمند: ما با سؤالهای زیادی در باره تحمیل و تبلیغ انتقال نظرات پدر و مادر به کودکان مواجه شده ایم. سؤال را ما اینگونه فرموله می کنیم: آیا پدر و مادر حق دارند که نظرات و دیدگاهها سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی خود را با توسل به تحمیل، تحمیل، تبلیغ و یا استدلال و بحث به کودکان، منتقل کنند؟

قسمت هشتم

در بخش هفتم جواب، به چگونگی تخریب رشد شخصیت مستقل کودک، "من" کودک، توسط پدر و مادری که از اجبار و زورگویی برای پیشبرد نظرات خود، استفاده می کنند، صحبت کردیم و برای مثال از زندگی مایکل جکسون، فاکت آوردیم. این "من" که برای هر فرد ویژگی خاص آن فرد را دارد، در زندگی انسان نقش تعیین کننده را دارد. همین "من" است که موفقیتها و شکستهای زندگی را برای انسان، رقم می زند. به آنها معنا و مفهومی دگرگونه با برداشت دیگران می دهد.

در این بخش به سراغ گروه سوم، می رویم. پدر و مادری که خود را "روشنفکر"، "امروزی" و "مدرن" قلمداد می کنند. عمدتاً تحصیلکرده هستند. وضعیت مالی و شغلی خوبی دارند. این گروه هم اعتقاد دارند که کودک خود را باید آنگونه "تربیت" کنند که آنها تشخیص می دهند، درست است. استدلال ایشان را در بخش نخست بررسی کردیم. منطق ایشان قوی است و بسیار حق به جانب، هستند. از خشونت، استفاده نمی کنند. از اینکه نیت خیر دارند، کاملاً حق با ایشان است. در میان این عده انسانهای یافت می شود که برای آزادی و حقوق انسانها فعالیت و مبارزه می کنند. آدمهای منفی نیستند که به دیگران نظر خود را تحمیل کنند. نظرشان این است که وقتی می شود، کودک را می شود به گونه ای تربیت کرد که خوشبخت شود، آینده ای مطمئن داشته باشد، چرا نکنند. اینان کودک خویش را به کلاسهای گوناگون ورزشی، موزیک و درس می فرستند تا از کودک خود یک ورزشکار حرفه ای، موزیسین و یا دکتر و مهندس، بسازند. ظاهراً، این دسته به کودک خویش، چیزی تحمیل نمی کنند. با کودک خویش، بحث می کنند

صفحه ۴

آدم برفیهای سفیلان



امیر توکلی

در طی ده روزی که گذشت، دو واقعه مهم در رابطه با کودکان رخ دادند. اولی حادثه

کودکان در ایران است. صدها هزار کودک را در شرایطی خطرناک در «کلاسهای» قرار دادن که بنا به گفته خود مسئولین جمهوری اسلامی با برداشتن فقط یک آجر، سقف کلاس بر سر کودکان ویران میشود، نمونه بی ارزشی زندگی

صفحه ۴

تاسفبار در «دبستان» سفیلان بود که سیزده دانش آموز در آتش سوزی در «کلاس درس» سوختند. چهار دیواری که نام مدرسه بر آن گذاشتند، اما از کمترین امکانات امروزی در مدارس دنیا، بی بهره بود. مرگ کودکان سفیلان نشان دهنده شرایط زندگی

تاثیر محیط بازی بر رشد کودک

اسد حکمت، ایران

قسمت دوم

سر تام می آمد بر سر حیوان بیچاره می آوردند. دسته دوم کارتنهایی که آن را عذاب روح کودک مینامیم و کودک فقط برای اینکه انیمیشن است به پای آن می نشیند. صحنه های فرار بدبختی و فقر کودک که ربطی به دنیای کودک ندارد و بیشتر او را آزوده می کند (نل و پدر بزرگ) و

صفحه ۴

کودکانه تماس بر قرار میکند و کودک را ساعت ها جذب خود می کند از این دسته کارتن های (والث دیسنس) میتوان نام برد. یا کارتن های مثل (تام و جری) که آخرین پخش آن در ایتالیا ممنوع شده بود زیرا بچه های زیر ۶ سال گربه یا سگ خود را از طبقه بالا ساختمان پرت می کردند یعنی عینا همان بلایی که در کارتن

در پایان مطلب قبلی به کارتتون پرداختم حال می خواهم این مسئله را بیشتر باز کنم. کارتنهایی که در ایران پخش می شود را می توان منقسم به چند بخش دسته اول کارتنهایی که با دنیای

کودک در ادبیات ایران

سیری در تاریخچه ادبیات کودکان در ایران

میلاد پرتوی، ایران

قسمت دوم

هم در دنیا آرزو دارم و شعر میگوید و نمایشنامه مینویسد او کودکان را خوب میشناخت و با زبان و رفتار آنها آشنا بود. گرچه در زمان زندگی بسیاری از آثارش به طبع رسید اما پس از وفاتش مجموعه اشعارش به نام من

صفحه ۵

کودکان میپردازد برای آنها شعر میگوید و نمایشنامه مینویسد او کودکان را خوب میشناخت و با زبان و رفتار آنها آشنا بود. گرچه در زمان زندگی بسیاری از آثارش به طبع رسید اما پس از وفاتش مجموعه اشعارش به نام من

در حدود سالهای ۱۳۰۰ جبار عسکرزاده باغچه بان که نمونه یک معلم واقعی بود به خلق خواندنیهای خاص

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

خانه من کجاست؟



مهرنوش
معظمی

قسمت پنجم

اگر کودک میتواند تمام روز را با قلم موی بر صفحه آسمان آبی نقاشی میکرد و برای بازگشت کبوتر در جای امن دور از چشم آدمهای بزرگ لانه می ساخت. کبوتر پرواز کرد و رفت ولی دوباره باز میگردد، آنروز که خود می خواهد. اما کودک این حق را ندارد که برای سرنوشت خود تصمیم بگیرد. آدمهای بزرگ می گویند که کودک چیزی از زندگی نمی داند و این وظیفه ما بزرگترها است که آینده او.....

شاهین در رویا خود را دید که روی درخت نخل کوچکی نشسته است و با تیر کمان خود شیشه اطاق علی را نشانه گرفته است و زیر لب اعداد را در صف ذهن قرار میدهد تا با یک عدد مشخص یا در یک فرصت مناسب سنگ را پرتاب کند و دستش را بالا برد و بالا برد ولی دستانی دیگر او را از جای بلند کرد و از درخت پائین برد و با خود برد و در عقب ماشین قرار داد. شاهین مادرش را دید و سایه آدمهای دیگر. سر را بلند کرد و آنها را نگرست ولی سایه ها تکان میخوردند و جابجا میشدند، سکوت و پیچ پیچ. همه با هم حرف میزدند ولی با احتیاط، انگار میترسیدند که کسی صدای آنها را بشنود. شاهین حرکت ماشینها را حس میکرد و سایه سیاه درختهای نخل را بر بالای سر خود دید و مادر را دید که از پنجره اتومبیل آویزان شد و آواز خواند، یک آواز برای کاروان. شاهین صدای گریه مادر بزرگ را شنید و جاروی رفتگرها و رویایش قطع شد. خواب سنگین فکر و بدن خسته او را ربود آن آرامش همیشگی برای او لالای میخواند.....

برای کودک معترض به فرار دردناکتر از خود مسئله مهاجرت و یا فرار، نگرفتن آن حق گفتن وداع و آنوقت لازمه برای آماده شدن ترک کردن خانه است و بی خبر بودن و رفتن و ادامه دادن زندگی در سرزمینی بیگانه کودک احتیاج دارد که محبوب ترین اسباب بازی را با خود بردارد و بقیه را در مکانی محفوظ پنهان کند، آن کودک خردسال که شور و شغف زندگی خوراک روزانه او است. باید با باغچه و درخت حرف بزند، با آن دوست صمیمی که کسی او را ندیده است، راز رفتن را فاش سازد، به طبیعت وعده بازگشت را بدهد، و با شیرینی فروش برای آخرین بار چونه بزند و در حیاط و محله چرخ بخورد

صفحه ۲

دعوت از فعالین و صاحب نظران در امور کودکان حقوق کودکان جهانشمول است

دعوت از فعالین و صاحب نظران در امور مربوط به حقوق کودکان برای شرکت در کنفرانس کودکان مقدمند

کودکان مقدمند بعنوان نهاد بین المللی دفاع از حقوق کودک کنفرانسی را در ۱۸ و ۱۹ فوریه ۲۰۰۵ در شهر استکهلم سوئد تدارک دیده است که به موضوع جهانشمول بودن حقوق کودکان میپردازد. کودکان مقدمند معتقد است که در اروپا و امریکا تحت عنوان مولتی کالچرالیسم، نسبت فرهنگ و احترام به فرهنگها نوعی تبعیض به کودکان بخصوص به کودکان مهاجر اعمال میشود. این کنفرانس در حراست از حقوق بدون قید شرط کودکان برای برخورداری از یک زندگی مرفه، امن و شاد میخواهد در عین نقد و افشاگری از مذهب و فرهنگهای عقب مانده، تاثیرات مخرب مولتی کالچرالیسم و نسبت فرهنگی را نیز نشان دهد.

در همین جا از همه صاحب نظران در امور کودکان و همه فعالین مدافع حقوق کودک میخواهیم با شرکت خود در این کنفرانس و ارائه نظرات و ایده های خود در این رابطه به تقویت مبارزه ما برای تامین حقوق کودک و برگزاری یک کنفرانس غنی و موفق همت بگذارند.

در صورت تمایل به ارائه سخنرانی در این کنفرانس با ما تماس بگیرید. همچنین از موضوع سخنرانی خود ما را مطلع سازید.

در این رابطه میتوانید با هما ارجمند دبیر کودکان مقدمند و یا کریم شامحمادی تماس بگیرید:

هما ارجمند:
کریم شامحمادی: karimshamohammadi@yahoo.se
www.childrenfirstnow.com

کودکان مقدمند

۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

کنفرانس

کودکان مقدمند برگزار می کند

"حقوق کودکان جهانشمول است"

۱۸ و ۱۹ فوریه در استکهلم

عناوین کنفرانس:

- کودکان و مولتی کالچرالیسم
- کودکان و مهاجرت
- کودکان و فرهنگ، سنن و مذهب
- کودکان و تجارت سکس

برای اطلاعات بیشتر با ای میل آدرس و تلفنهای زیر تماس بگیرید:

هما ارجمند، homawpi@rogers.com

تلفن: ۰۰۱ - ۴۱۶-۷۳۷۹۵۰۰

کریم شامحمادی:

Karimshamohammadi@yahoo.se

تلفن: ۰۰۴۶-۷۸۵۲۶۷۱۶

www.childrenfirstnow.com

دبیر

«کودکان مقدمند»

هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر

هفته نامه

«کودکان مقدمند»

امیر توکلی

tel: ۰۰ ۴۵۸ ۴۰۵۸۲ ۱۷۷۶

e.mail:

kodakan_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شها خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

Shahlaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه

خانه من کجاست؟

و آن آخرین شیطنت های باقی مانده را به پایان برساند. به پدر بزرگ مهربان را که قشنگترین قصه ها را برای او تعریف میکند، بگوید که روزی خواهد آمد، دوباره، و آن کودکی که از سنین پنچ، شش سالگی را پشت سر گذاشته است باید اطاق و وسایل خود را برای بازگشت آماده سازد، به مدرسه خود برود و لحظه ای در آنجا بنشیند، در آن خاطرات تلخ و شیرین غرق شود. در آن شیطنت های دسته جمعی و آن قول و قرارها را به یاد آورد. آن کتاب و یا اسباب بازی را که به امانت گرفته پس بدهد و کودک هیچکدام از این کارها را نکرده است. حال او خانه را ترک گفته اما در بی خبری و با یک وجدان ناراحت به گذشته می اندیشد. دیگر آن فرصت را نخواهد داشت که برای خداحافظی برنامه ریزی کند، همانطور که پدر و مادر به خود آن بیشترین وقت را دادند که همه کاری انجام دهند، حتی گریه کنند و از عزیزترین کسان خود طلب بخشش کنند. اما کودک دیگر دوست خود را ملاقات نمیکند که برای

ادامه

آدم برقیهای سفیلان

کودکانمان است. وضعیت در خانه، در محلهای بازی و در جامعه برای کودکان بهتر نیست. کودکان قربانیان این شرایط هستند. اما در مقابل جامعه خاموش نیست، جنبشی در دفاع از حقوق کودکان در حال شکل گیری و گسترش است. جنبشی که این

او توضیح بدهد و همه چیز را بگوید، مگر نه اینکه پدر و مادر با دوستان خود مشورت می کنند و از آنها کمک فکری میگیرند نه همه چیز تمام شده است همه چیز یک فردای بیگانه که کودک چیزی از آن نمی داند! پایه ریزی آینده هر کودک وظیفه هر پدر و مادری است. در مواقعی که در زندگی خطر، خشونت دولتها و جنگ زندگی کودک را تهدید میکند، پدر و مادر به دور کردن کودک از خطر ضربه های جسمی و روحی فکر می کنند، به محافظت او! گاهی کودک خانه و خانواده را به تنهایی ترک میکند و به نقطه ای امن تری فرستاده میشود، گاه کودک همراه یکی از والدین خود از خانه دور میشود! شاهین چشمان خود را گشود و با سرعت خود را تکان داد، او در عقب اتومبیل خوابیده بود و خواهر و پسرخاله نیز در کنار او بودند. اما سوالات او در آن شادی سفر دسته جمعی فراموش شد. توقف در بروجرد و خوردن کباب و بستنی، مسابقه بچه ها با هم که چه ماشینی تندتر میراند و ورود به تهران! سه اتومبیل حامل همه فامیل مادر کنار خانه دایی احمد

توقف کرد. همه با ساک دستی ها وارد خانه شدند. اما مادر شاهین با خود یک کیف کوچک حمل میکرد، پدر به انتظار آنها بود ولی صورتش گرفته نظر میرسید. شاهین فکر کرد که پدر عصبانی است و باید از او دوری کرد ولی خواهرش در آغوش پدر نشست. پدر به شاهین نگاه کرد و لبخند زد، اما شاهین می دانست که پدرش به چیزی فکر میکند که او نمی دانست! بچه ها شاهین را صدا کردند و همه مشغول بازی شدند. فریاد و دعوا، آشتی و بگو و مگوهای همیشگی پسر دایی احمد داد زد!

جانمی عمو محمود میگه هر کسی آرام باشه جمعه میره کوه! ... شاهین از شادی چرخ می خورد و خنده کنان تکرار کرد جانمی کوه ... جانمی کوه ... تو که اینجا نیستی! شاهین با عصبانیت و قهر پرسید! مگه من کجا هستم؟ سوئدا! سوئدا! پسر فهمیدی؟ شاهین فقط به او نگریست و ادامه دارد

به سوختن دانش آموزان سفیلان است. فستیوال آدم برقی، اعتراض به خودکشی صدها کودکی است که صدایشان را کسی نمی شنود. فستیوال آدم برقی، اعتراض به وضعیت معیشت، مسکن و روحی کودکان است. اعتراض به آزارهای جسمی و روانی به کودکان است. پیام فستیوال آدم برقی

وضعیت را در شان کودک امروزی نمیداند و خواهان یک زندگی شاد، امن و خلاق برای همه کودکان است. این صف باشکوه در حال پیشروی و قدرت گیری است. نمونه ها زیادند اما فستیوال آدم برقیها در دفاع از حقوق کودکان در شهرهای مختلف کردستان برجسته، انسانی و مدرن است. فستیوال آدم برقیها، اعتراض

از گوشه و کنار شهر

یکی از فعالان خانه کودک میگوید: گاهی کودکان به همراه مادرانشان تا صبح بیدارند و کار میکنند. به عنوان مثال در ازای یک گونی ده کیلویی قند خرد شده تنها ۸۰۰ تومان میگیرند و صبح کارفرما می آید و از اینها تحویل میگیرد و به دستفروشان میدهد. دخترانی که در خانه کار میکنند اغلب افغانی و بچه هایی که در خیابان کار می کنند اکثرا ایرانی هستند. فقر آنقدر شدید است که بچه اول و دوم و سوم در یک خانواده همگی کار میکنند و معمولاً یکجا با هم به صورت خانوادگی کار میکنند. دستمزد این کار خانگی بسیار کمتر از کار در خیابان است. خانواده ای که دوست ندارد بچه اش در خیابان کار کند و برای اینکه غرور بچه اش جریحه دار نشود خودش را یک گام جلوتر میداند و بچه اش را در کارگاه میگذارد. اکثر این کودکان بصورت پادو در کارگاههای خیاطی، کفاشی و مکانیکی کار میکنند. به نوعی این گونه خانواده ها بچه خود را اجاره میدهند در حالی که آنچنان کنترل و شناختی از کارفرما و محیط کار وی ندارند.»

پدر مجید چرخ با بازار است با چهار خواهر و سه برادرش در دو اتاق زندگی میکنند. اتاقشان اصلاً پنجره ندارد. در اتاق هم هنگام راه رفتن انسان را وادار به تعظیم میکنند. انگار آنهم تعمدی دارد که مبادا سرت را بالا بگیری و این همه درد را ببینی. خانواده سکینه، با چهار خواهر و پدر بنای بیکار و مادر مریضش در یک اتاق زندگی میکنند که با کمترین باران شرشر آب از سقف مخروطی اش، اهالی خانه را وادار میکند که دیگ و کاسه خانه را در زیر آن بگذارند. مادر سجاد با پنج دختر و پسر و شوهر دست فروشش در اتاقی با ماهی بیست هزار تومان زندگی میکنند، او یک پسر سرباز و یک دختر بزرگ ترک تحصیل کرده دارد. معدل دختر، ۴ سال پیش که ترک تحصیل کرد، ۱۸\۷۵ بود.

تنها آرزوی مریم از یک خانواده افغان که با چهار خواهر و برادرش در یک تک اتاقی ۶ پله پائین تر از سطح زمین زندگی میکند، خوب شدن بیماری کلیه مادرش است. پدرش معتاد است و به افغانستان رفته و مادرش در خانه های مردم کار می کند.

جواب فاجعه سفیلان است. ما باید هر چه گسترده تر و قدرتمندتر در مقابل شرایط غیر انسانی کودکانمان اعتراض کنیم. این تنها راه بهبود زندگی آنهاست. با ایجاد تشکلهای گوناگون و با اعتراضات گسترده، خواهان بهبود فوری وضعیت کودکانمان شویم. اعتراض همین امروز، فردا دیر است.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



اعدام، علی ۱۶ ساله در ایران را تهدید میکند

علی نوجوانی است که در یک نزاع کودکانه با دوستش در مدرسه، باعث زخمی شدن و در نهایت مرگ یک پسر بچه دیگر شد. اکنون جمهوری اسلامی حکم اعدام علی را به تأیید دیوان عالی خود نیز رسانده و خطر اعدام علی ۱۶ ساله را تهدید میکند. سازمان عفو بین الملل با اعلام یک کمپین اضطراری از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی خواسته است به این حکم وحشیانه اعتراض کنند. ما از همه مردم آزاده می‌خواهیم که به هر طریقی که امکان دارند به این حکم اعتراض کنند. ما نباید بگذاریم که علی اعدام شود. این در توان ما و در قدرت اعتراض ما نهفته است. برای نجات علی از دست جانیان اسلامی دست بکار شوید.

ادامه

تأثیر محیط بازی بر رشد کودک

ادامه

رفتار با کودکان

و کودک خویش را قانع می‌کنند که این روش پیشنهادی آنان، بسیار بهتر است. تصور کنید که من در مقام پدر با کودک ۸-۹ ساله ام به بحث بنشینم. امتیازاتی که دارم، دانش و تجربه، پنج برابر کودکم، امتیاز پدری، عشق کودکم به من و چیزی که معمولاً در تحلیل اول در نظر گرفته نمی‌شود، قد و قواره فیزیکی من، این امتیازاتی است که من دارم. به نظر شما، کودک من در برابر من شانس دارد؟ آیا این یک بحث یکطرفه نخواهد بود. این یک عرصه نابرابر بحث و گفتگو با کودک است. استدلال این دسته از پدر و مادران که ما چیزی را به کودکمان تحمیل نمی‌کنیم، بیشتر شبیه یک شوخی بی مزه است. شخصیت کودک که این گونه، تحمیل می‌شود، با کودک که با تهدید و تنبیه بزرگ می‌شود، فاصله زیادی با هم ندارند. کودکان دو شخصیتی و چند شخصیتی، حاصل همین تحمیلها و تحمیلها است. در میان بخشی از نوجوانان و جوانان ایرانی، به خوبی می‌توانید این دو شخصیتی را مشاهده کنید. در خانه یک رفتار و شخصیت و در مدرسه، یک نوع دیگر و در کنار دوستان، نوع دیگر. سردرگمی این نوجوانان و جوانان، در میان این شخصیتها، داستان غم‌انگیزی است که زندگی بسیاری از آنان را، به تباهی می‌کشاند. بسیاری در نیمه راه، درس، ورزش و یا آموزش موسیقی که پدر و مادر برای آنان در نظر، گرفته اند، رها می‌کنند و به دنبال شخصیت واقعی خود، همان "من" که می‌بایست در یک فضای مستقل و آزاد، شکل بگیرد، در بدر جاده های تخیلی زندگی می‌شوند. زندگی واقعی و مسئولیتهای روزمره زندگی، برایشان، به شکنجه ای روزمره تبدیل می‌شود. هر شکستی در فعالیتهای و تلاش هایشان برای تغییر ریل زندگی، ولو کوچک می‌تواند، آنها را به مرز نابودی بکشاند. در شماره آینده، به جمع‌بندی این بحث خواهیم پرداخت و سعی خواهیم کرد که نظر خودم را، در این رابطه به عنوان نماینده پدران و مادرانی که حاضر نیستند به هیچ وجه زندگی کودک خود را، تحت کنترل داشته باشند، خواهیم گفت.

پرداخت که اکثر کارتن ها در ایران ذهن کودک را ساده اندیش بار می‌آورد و او را با واقعیت آشنا نمی‌کند خرافه و معجزه و هزار و یک عمل ماورا طبیعی را واقعی میدانند و این در آینده که کودک از درون آن فاصله گرفت تأثیر سو خود را می‌گذارد روی این مسئله باید بیشتر بحث کرد کارتن ها باید به نحوی باشد که اولاً دنیای کودک را با شادی و زیبایی آشنا کند بعد هم دور از هر نوع ساده اندیشی پله پله او را با حقایق طبیعت جلو ببرد.

صحت می‌کند، ۲ عیب عمده اینجا وجود دارد که اولاً تعداد این کارتن ها کم است ثانیاً این دسته از کارتن ها آثار سو می‌گذارند یعنی کودک با موارد منفی هم آشنا می‌شود و آنها را بیشتر می‌پسندد نتیجه معکوسی می‌دهد به جای اینکه نرمال و منطقی برخورد کند با راههای غیر منطقی و خطرناک هم آشنا می‌شود با لفظ های دور از ادب و انسانیت که این یکی در کارتن ها موج می‌زند و کودک همواره با الفاظ زشت آشنا می‌شود اما در قدم آخر می‌توان به نکته مهمی

(حنا دختری در مزرعه) که این از هر کس در ایران که در طی سالهای کودکی این کارتن ها را میدیده راجع به این کارتن ها سوالی کنید با خشم جواب می‌دهد که این بیشتر باعث ترس و کابوس های شبانه بوده. این دسته از کارتن ها بسیار پخش می‌شود که البته سالهای اخیر نسبت به آنها به کارتن های متعارف کمتر شده است. راجع به دسته آخر کارتن ها کارتن هایی که محتوای آموزشی برای کودک دارد. از فداکاری و مهربانی و احترام و مسواک زدن و خوابیدن سر موقع و نظم و ترتیب و ...

ادامه

کودکان کار، نان آوران کوچک

شهرداری اومدند، فرار کن. انگار داشت تفریح می‌کرد در حالیکه هیکل نحیفشو تو لباس گشادش حرکت می‌داد دوان دوان دور شد و منو با یک علامت سوال تنها گذاشت. راستی چرا خدا خیلی چیزها رو واسه خیللیها نمی‌خواد؟ می‌خواستم دق دلمو خالی کنم فریاد زدم: نگفتی اسمت چیه؟ صداس در همهمه باد پیچید: الله کرم.

خنده ام گرفت گفتم: از کجا میدونی؟ گفت روش نوشته گفتم: بخون ببینم گفت: سواد ندارم، عین احمقها پرسیدم: چرا؟ گفت: خدا نخواست، کلافه شده بودم، بیشتر از همه افکار متحجرانه ای که با وجودش عجین شده و احاطه اش کرده بود عذابم می‌داد، ناگهان دوستانش در حالیکه به سرعت دور می‌شدند و می‌خندیدند داد زدند: آدمهای

جا کتانی خاک می‌خورد تو ذهنم رژه می‌رفتند، گیج شده بودم، صدای سرما خورده اش منو به خودم آورد با حرارت گفت: اینو بخر خوبه به تیوبی که در دستش بود نگاه کردم و پرسیدم: چی هست؟ نگاه بازی گوشش رو به اونور انداخت تا وانمود کنه که خجالت میکشه گفت: چیزه، از اینها که پستون رو سفت می‌کنه! خیلی خوبه!

مهنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب کودکان

۵ بار فرار از خانه بخاطر آزار والدین



دختر ۸ ساله ای که تاکنون پنج بار از خانه فرار کرده است، خواهان آن شد که او را تحویل بهزیستی بدهند و حاضر نیست که نزد والدین خود برگردد. او میگوید که نامادری ام مرا شدیداً کتک میزند و پدرم هم بسیار عصبانی است.

داستانهای عاشقانه

داستانهای عاشقانه و واقعی خوب آنهایی هستند که بدون پرداختن به صحنه های عشقبازی ترتیب یافته اند. نوجوانان با مطالعه داستانهای خوب عاشقانه به احساس طبیعی عشق پی برده و از آن شرمگین نیست. ضمن آنکه به این نتیجه میرسد که گلهای زیبای بهاری هر چه پر رنگ و بو ترند زودتر پر پر می شوند. پایان چنین داستانهایی به صحنه های اتفاقی ازدواج و مرگ نیست. می تواند بیان خاطرات یک نوجوان در پایان تابستان و یا بیان عواطف کودکی از تغییر خانه و مدرسه اش باشد.

ادامه دارد

این داستانها باید دور از تعصبات و تلقین نفرت باشد. این داستانها باید ضمن تحلیل حوادث تاریخی آگاهی و بینش اجتماعی و تاریخی برای جوانان ایجاد کند. داستانهای تاریخی بهترین وسیله عمق بخشیدن به دانستنیهای تاریخی اطفال و رنگ و بو دادن به درسهای خشک تاریخ است.

داستانهای طنز آمیز

به کودکان و نوجوانان می آموزد ضمن اینکه از کوچک شمردن و مسخره کردن دیگران لذت نبرند، به نکات طنز آمیز و حوادث خنده دار بخندند و طبع طنز نقادانه را به تدریج بیاموزند. طنز در ادبیات ایران تیز هوشی قهرمان داستان و نکته سنجی او را می رساند.

رواج بیماری «بی حسی کامل» در کودکان پناهجو در سوئد

تعداد زیادی از کودکان پناهجو که در سالهای اخیر در سوئد بسر میبرند، دچار بیماری «آپاتی» یا بی حسی هستند. نشانه های شروع این بیماری اجتناب کردن از خوردن و آشامیدن است و در ادامه بیمار قدرت صحبت کردن را نیز از دست میدهد. تحقیقات در میان کشورهای اسکاندیناوی نشان میدهد که این فقط در سوئد است که این بیماری وجود دارد و آنرا مرتبط با روند بسیار سختگیرانه و غیر انسانی بررسی پرونده پناهجویان میدانند. اگر خانواده در وضعیت بد و ناامنی قرار داشته باشند و پدر یا مادر به لحاظ روحی و سلامتی جسمی در شرایط بدی قرار گرفته باشد این مساله بر روی کودکان شدیداً تاثیر میگذارد. ریشه این بیماری سیاستهای غیر انسانی دولت سوئد در مقابله با پناهجویان است و کودکان در این میان اولین قربانیان این سیاست هستند.

ادامه

کودک در ادبیات ایران

یحیی دولت آبادی مولف کتاب شهرناز و صنعتی زاده کرمانی مولف کتاب رستم در قرن بیست و دوم دیگر عباس یمینی شریف که به سرودن شعر برای کودکان دست زد. او مجله ای نیز برای کودکان منتشر کرد. مترجمان و نویسندگان بیشتری در این عرصه فعالیت داشته اند که به دلیل طولانی شدن مطلب در فرصت دیگری به آنها میپردازیم.

انواع ادبیات کودکان

کتابهای داستانی به نوشته ای گفته میشود که در آن نویسنده فکر و هدف اصلی خود را در قالب حکایت و ماجرابی به خواننده ارایه می دهد. خواه این داستان کاملاً جنبه تخیلی و غیر واقعی داشته باشد و خواه واقعیات زندگی در آن با پرداخت خاص نویسنده آرایش یابد.

دفع داستان آشنا کردن خوانندگان خردسال و نوجوان با زندگی و مسایل آن رسا شدن پیامهای سازنده در قالبی پذیرفتن و برانگیزنده به طور

غیر مستقیم. آشنا کردن کودکان و نوجوانان با ارزشهای اخلاقی انسانی و اجتماعی به طور غیرمستقیم. خواننده را با مسایل و مشکلات و مصایب زندگی و چگونگی چیره شدن بر آنها آشنا میکنند. داستانها از لحاظ موضوع و چگونگی پروراندن به چند دسته تقسیم می شوند:

داستانهای حیوانی

در این داستانها حیوانات برای داستانهای واقعی بازیگران محبوبي هستند احساسات انسانی را ندارند، به زبان سخن نمی گویند. ماجراهایی است که بر یک حیوان می گذرد. این داستانها برای اطفال چهار یا پنج ساله مناسب است.

داستانهای ماجراجویی

در این داستانها ماجراهایی نقل میشود که هنگام خواندن آن هیجان طفل و نوجوان به اوج می رسد. برای تشویق به مطالعه و ایجاد عادت به مطالعه مفید است. برای کودکان سالهای آخر دبستان یا دوره راهنمایی جالب است. داستانهای ماجراجویی میتوانند زمینه تاریخی باشند.

داستانهای تاریخی

در این داستانها شخصیتهای شناخته شده تاریخی و وقایع بزرگ و مهم گذشته نقش اصلی را دارند. ممکن است داستانها شخصیتها و وقایع غیر حقیقی باشند ولی چنان ماهرانه و با دقت ساخته شود که خواننده به تخیلی بودن آنها به ندرت پی ببرد.

الف، داستانهای واقعی. این داستانها گرچه ساخته تخیل زنده و بیدار نویسنده است ولی در اجزای سازنده آن و در حرکت ماجرا غیر ممکن وجود ندارد. حوادث آن باور نکردنی و قابل تکرار و شخصیتها واقعی هستند. این داستانها با توجه به اینکه می توانند در باره هر کس و بر جا و همه چیز سخن گویند مختلف و بسیارند.

داستانهای صحنه های زندگی اطفال

در این داستانها از حوادث زندگی بچه ها مانند دنیا آمدن خواهر یا برادر صحبت میشود. این داستانها در طرح مسایل خانوادگی می توانند قدرت خواننده را در برخورد مشکلات بالا ببرند.

ممنوعیت فوری حجاب اسلامی برای کودکان

کودکان کار، نان آوران کوچک

ستاره امیرزاده، ایران

پسرک ده یازده ساله به نظر می رسید، چشمان سیاه و برافش را که کودکی به تاراج رفته اش در آنها موج میزد به من دوخت و بساط محقرشو که یک جعبه پر از عطر و ادکلنهای تقلبی بود، نشانم داد و ملتسانه گفت: می خری؟ گفتم چه داری؟ گفت هر چه بخوای، نداشته باشم واست جور میکنم: مثلاً؟ گفت: سی دی، ورق پاسور، نوار. گفتم: از کجا میاری؟ لبخندی دلنشین تحویل داد یعنی اینکه چیزی نپرس. گفتم: نمی ترسی گیر بیفتی؟ گفت: نه راه داره، اینارو خیابون تحویل می گیرم انور تحویل میدم. گفتم: اهل کجایی؟ گفت: بلوچستان، بدون اینکه چیزی بپرسم ادامه داد آمده دنبال باباش که کارگر ساختمونه و شبها توی تعمیر گاه پیش یکی از همشهریهاش می خوابه.



گفت: خدا خیرش بده اینکار را اون واسم جور کرد. به صورت جذابش خیره شدم رنگش پریده بود، انگار کم خونی داشت، بد جوری حالم گرفته شد بی اختیار پرسیدم می خواهی چه کاره بشی؟ گفت: اگه خدا بخواد معلم، گفتم خدا؟ گفت: آره اگه اون بخواد همه چیز درست میشه به دستهای کوچکش که زمخت بود نگاه کردم گفتم: روزی چقدر کاسبی میکنی؟ گفت: به لقمه نون میرسه خدا را شکر. مثل آدم بزرگها حرف میزد، لجم در آمده بود، بغضم گرفته بود گفتم: یعنی راضی هستی؟ پوزخندی زد و گفت: راضیم به رضای اون گفتم بازی هم می کنی؟ گفت اگر بازی کنم کی نون در بیاره؟ مرد شدم دیگه !! زبونم بند اومده بود، مواد و بندهای کنوانسیون حقوق کودک که مجلس اجازه الحاق به آنرا در اسفند ماه، سال ۷۲ داده بود و کتابش گوشه صفحه ۴

خودکشی نوجوان ۱۷ ساله به دلیل عدم موفقیت تحصیلی

شرق: یک نوجوان ۱۷ ساله به خاطر عدم موفقیت تحصیلی خودکشی کرد. احمد پسر ۱۷ ساله ای ساکن روستای جمال آباد از توابع شهرستان شازند استان مرکزی است در حالی که اقدام به خوردن سم کرده بود بدست به خودکشی زد.

فرار پسر ۱۳ ساله از خانه بخاطر ترس از امتحان

شرق: چندی پیش مادر و پدری ناپدید شدن پسر ۱۳ ساله شان به اسم امید را به کلانتری اطلاع میدهند. پس از چند روز ماموران امید را در اطراف قبرستانی پیدا میکنند. امید در بازجویی گفت: امتحاناتم روز گذشته تمام شد اما از آنجا که میترسیدم در امتحاناتم تجدید شوم و پدر و مادرم مرا دعوا کنند از خانه فرار کردم و چون جایی را نداشتم به قبرستان رفتم و آنجا ماندم.

یک دانش آموز کشته و ۲۲ نفر زخمی شدند

حیات نو: در برخورد کامیون بنز با مینی بوس حامل دانش آموزان مدرسه ای در پل دختر یک دانش آموز کشته و ۲۲ نفر دیگر زخمی شدند. به گزارش ایرنا در این سانحه که روز شنبه رخ داد محمد عزیزی ۱۵ ساله در دم جان باخت و راننده هر دو ماشین به همراه ۲۰ دانش آموز دیگر زخمی به بیمارستان های خرم آباد و پل دختر منتقل شدند.

ترک تحصیل یک میلیون و ۲۷۱ هزار دانش آموز طی دو سال

بر اساس آمار رسمی یک میلیون و ۲۷۱ هزار دانش آموز در کشور از سال ۸۰ تا ۸۳ از چرخه آموزش خارج شده اند. کارشناسان میگویند که به احتمال بسیار زیاد آنها وارد چرخه کار شده اند. این رقم محصول مقایسه آماری تعداد دانش آموزان در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ از سوی مرکز آمار ایران است.

کودکان نمونه در جمهوری اسلامی

روزنامه شرق: «در سال ۷۱ یک دختر ۹ ساله مقام اول بانفندگی فرش را کسب کرد و در سال ۷۴ یک دختر ۱۲ ساله از ورامین در مدت ۸ ماه بافت یک فرش ۱۷ متری را به پایان رساند و در سال ۷۴ یک کودک ۵ ساله لریستانی به عنوان استاد بانفندگی شهر معرفی شد»

آموزش و سرزنش

یکی از مسئولین آموزش و پرورش: «ما بیشتر دانش آموزان را تنبیه انتظامی می کنیم. از کلاس اخراج میکنیم یا موارد انضباطی دانش آموز را یادداشت می کنیم. موهای دانش آموزان را در صورت بلند بودن قیچی میکنیم و اگر لباس نافرمان باشد، دانش آموز را به خانه می فرستیم.»

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان